دزدی محترمانه با لباس پستچی!

شگرد سریالی و نخ نما که همچنان مردم را می‌فریبد و حساب شهروندان را خالی می‌کند

مهدی قرآنی

«سلام، مامور اداره پست هستم. چون تازه اومدم منطقه شما آدرس خونتون رو نتونستم پیدا کنم. نامه قضایی دارین. شمارتونو از روی نامه برداشتم گفتم اطلاع بدم کد پیگیری روی نامتون ۱۷۳۰۰۶۵۲۸۹۱۰۹ بود. چون نامه سوم هست و اخطاریه آخر، اپلیکیشن پیگیری نامه قضایی رو براتون می‌فرستم پیگیری کنید» شاید همین حالا که مشغول خواندن این متن هستید، پیامکی شبیه به آن را دریافت کنید. پیامکی که حاوی لینک آلوده به فیشینگ اطلاعات است و از سوی افرادی سودجو و به قصد خالی کردن حساب برای قربانی تنظیم و ارسال می‌شود. پیامکی که از روز دوشنبه تا همین امروز عامل خالی شدن حساب افراد بسیاری در سراسر کشور شده است.

اما ماجرای این پیامک آلوده و اقدام مجرمانه از آنجا آغاز شد که یکی از شهروندان مشهدی این متن را بر روی صفحه گوشی تلفن همراهش مشاهده کرد. بی توجهی به نکات امنیتی و طرح این سؤال که چطور ممکن است مأمور اداره پست برای وی چنین پیامکی را تنظیم و لینک سامانه قضایی را ارسال کند، کلاهبرداری چند ده میلیونی را از او رقم می‌زند.

شاکی که مردی جوان است با در دست داشتن مرجوعه قضایی به مرکز پلیس فتای استان خراسان رضوی مراجعه کرد و مدعی شد که فردی با ادعای مأمور پست پیامکی را برایش ارسال و وی را از ابلاغیه قضایی مطلع کرده است. مال باخته بر روی لینک ابلاغیه قضایی که همان فرد برایش ارسال کرده می‌زند و نرم افزار مورد نظر را نصب می‌کند. بعد از نصب، نرم افزار دسترسی‌ها به گوشی تلفن همراه را از مرد جوان می‌خواهد و او هم بی اطلاع از همه جا با دست خودش اجازه می‌دهد تا گرداننده اصلی نرم افزار اطلاعات خصوصی اش را برداشت کند. از آنجا که شاکی همچنان در پی دریافت متن ابلاغیه قضایی اش بوده برای اطلاع از آن به ظاهر حق عضویت ناچیزی را طبق درخواست نرم افزار پرداخت می‌کند که همین عمل موجب رقم خوردن سرقت از وی می‌شود.

جاسوس افزار که نقش خود را خوب ایفا کرده اطلاعات بانکی طعمه خود را در اختیار سارقان قرار می‌دهد و از آنجا که متهمان دسترسی کامل به سرویس پیام‌های گوشی تلفن همراه شاکی پیدا کرده‌اند، پس از دریافت رمز دوم نقشه شیادانه خود را عملی می‌سازند و ۴۷ میلیون تومان پول بی زبان قربانی را به جیب می‌زنند. شاکی تا به خودش بیاید در یک چشم برهم زدنی پول هایش به چند کارت بانکی سرازیر و در نهایت هم تبدیل به رمز ارز و خرید کالا از سایت‌های واسطه گر می‌شود.

بازشدن پای یک شاکی دیگر به پرونده

در حالی که مأموران مشغول انجام بررسی‌های تخصصی بر روی این پرونده بودند، شکایت مشابه دیگری از سوی یک شهروند مشهدی در پلیس فتای مرکز استان مطرح شد. شکایتی که مال باخته مدعی بود با شگردی مشابه فردی که خود را مأمور پست معرفی کرده، برای اطلاع از ابلاغیه قضایی نقشه‌ای شیادانه را ترتیب داده و پانزده میلیون تومان را از داخل یکی از کارت‌های بانکی اش سرقت کرده است. شاکی از قضا در انتظار ابلاغیه قضایی خودش بوده و با مشاهده این پیام عمل مأمور پست تقلبی را به فال نیک گرفته و بدون اینکه اطلاعی از نیت شوم وی داشته باشد، درست همانند آنچه که فرد کلاهبردار می‌خواسته عمل کرده است.

پلیس فتای استان در تعقیب متهمان

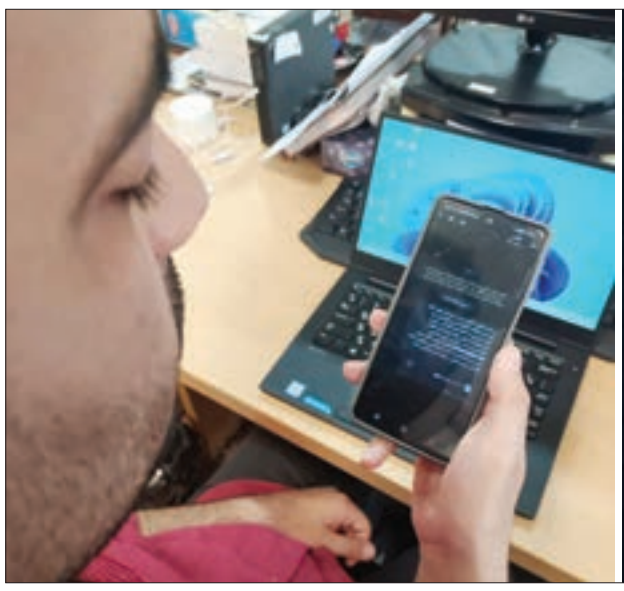
اگرچه تاکنون به مراتب گزارش‌هایی مشابه در قالب مطالب پیشگیرانه در صفحه حوادث روزنامه شهرآرا برای آگاه سازی شهروندان درباره شگرد جدید کلاهبرداری‌ها چاپ و منتشر شده است اما همچنان افرادی هستند که در پی بی احتیاطی و بی توجهی به توصیه‌های پلیسی قطعه دیگری از پازل قربانی شدن در فضای مجازی را تکمیل می‌کنند. نقشه‌های سودجویانه‌ای که در گذشته در قامت «برنده شدن در مسابقات تلویزیونی و رادیویی» ظاهر می‌شد، از چندی پیش در ردای «ابلاغیه‌های قضایی» رابرتن کرده است.

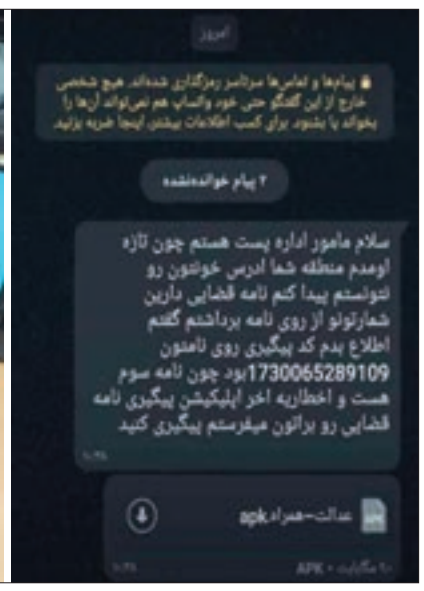
بنابر هشدار رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی، گردانندگان این نوع اقدامات مجرمانه اعضای تشکیل دهنده یک شبکه بزرگ کلاهبرداری در سراسر کشور هستند که از طراحی نرم افزارهای موبایلی گرفته تا اجاره کارت افراد آسیب دیده اجتماعی به قصد پول شویی، جزو اقداماتی است که انجام می‌دهند.

به گفته سرهنگ جواد جهانشیری، اگرچه تاکنون افراد زیادی به علت نقش داشتن در این نوع کلاهبرداری‌ها از سوی مأموران پلیس فتای استان شناسایی و دستگیر شده‌اند اما تعداد مجرمانی که در این شبکه فعالیت دارند زیاد است. البته کارشناسان ما به صورت شبانه روزی در تلاش هستند تا عاملان این نوع کلاهبرداری‌ها را به دام بیندازند اما در اینجا نقش مردم نیز در پیشگیری از وقوع جرم مهم و کاربردی است. این مقام ارشد پلیس فتای استان تأکید کرد: از شهروندان درخواست می‌شود حتما به توصیه‌های پلیسی توجه داشته و از نصب نرم افزارهای ناشناس از سوی افراد مشکوک جدا خودداری کنند.

علاوه بر این نرم افزارهای بانکی، قضایی، پلیسی و... را حتما از درگاه‌های قانونی همچون سایت‌های رسمی و نیز شبکه‌های نرم افزاری مجاز و شناخته شده دریافت و نصب کنند. در زمان نصب نرم افزار نیز حتما به اجازه دسترسی‌هایی که عموما نرم افزارهای موبایلی از آن‌ها می‌خواهند توجه داشته باشند. همچنین در صورت بروز هر نوع فیشینگ اطلاعات بانکی و سرقت موجودی حساب شهروندان بلافاصله موضوع را به شماره ۰۹۶۳۸۰، مرکز فوریت‌های سایبری اطلاع دهند تا به سرعت عملیات مسدودسازی حساب سارقان انجام شود.

سرهنگ جهانشیری افزود: متهمان این پرونده که احتمال افزایش آن‌ها در استان و نیز دیگر استان‌های کشور وجود دارد، شناسایی و ردزنی شده‌اند و به زودی این افراد متقلب و مجرم دستگیر می‌شوند.





پایان سرقت‌های دوستانه ۲ سارق



محمد ابوعطا| دوستی شان به سال‌ها قبل باز می‌گشت. از روزهایی که با هم در یک محله زندگی می‌کردند. این رفاقت سال‌ها ادامه داشت تا اینکه آن‌ها را به لبه پرتگاهی خطرناک رساند. وقتی افسر کلانتری از متهم دستگیر شده پرسید: اولین نقشه سرقتتان را کی و کجا کشیدید؟ خودش هم نمی‌دانست دقیقا از کی شروع کرده‌اند. اما خوب می‌دانست که آخرین گوشی همراه را از دست پسری کم سن و سال ربوده‌اند. ماجرای سرقت گوشی‌های تلفن همراه در بولوار توس، موضوع شکایت تعدادی از شهروندان ساکن در این بولوار بود که به پلیس ۱۱۰ اعلام شده بود. این اعتراض‌ها منجر به صدور دستور تخصصی از سوی سرهنگ حسین دهقانپور، رئیس پلیس مشهد شد. تیم گشت کلانتری معراج مشهد با دریافت این دستور، مأمور رسیدگی به پرونده شدند. مأموران دایره تجسس کلانتری معراج با بررسی اظهارات مال باختگان و سرنخ‌های به جامانده در صحنه‌های جرم به فردی مظنون شدند و پس از جمع‌آوری ادله و مستندات کافی با هماهنگی مقام قضایی این فرد را در اقدامی ضربتی و غافل‌گیرانه در مخفیگاهش دستگیر کردند. متهم منکر هرگونه جرمی بود، اما مستندات پلیس خیلی زود مشت او را باز و به ۹ فقره گوشی قاپی اعتراف کرد. در ادامه او یکی از دوستانش را به عنوان همدستش لو داد. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهم دیگر این پرونده ادامه دارد.

دل بستن یا دل کندن، مسئله این است



ابوعطا| بین دوراهی دل کندن و دل بستن گرفتار بودند. نمی‌توانستند از عزیزشان که چند روزی روی تخت بیمارستان افتاده بود دل بکنند. اما پزشکان به آن‌ها اطمینان دادند که فرزندشان برای همیشه از میانشان رفته است و این دل بستن به کالبدی که ظاهرا نفس می‌کشد و علائم حیات دارد، مانند سرابی آن‌ها را امیدوار کرده است. در واقع آن‌ها می‌توانند با اهدای اعضای قابل پیوند پسرشان هم جان بیماران نیازمند به عضو را از مرگ نجات دهند و هم ذخیره‌ای برای آخرت فرزندشان دست و پا کنند. مشورت سرنوشت سازی که زمینه یک هزار و دویست و دومین عمل اهدای عضو را در مشهد رقم زد.

با رضایت خانواده مرحوم مهدی امینی بیست و یک ساله که در بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد بستری بود، پیکر این مرحوم برای انجام عمل اهدای عضو به مرکز تخصصی پیوند در بیمارستان منتصریه مشهد منتقل شد.

در این عمل خداپسندانه، کبدزنده یاد امینی به آقای پنجاه و هفت ساله ساکن فریمان که سال‌ها از بیماری کبدی رنج می‌برد، پیوند شد. قرنیه‌ها نیز برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد. قسمتی از پوست هم برای پیوند روزانه به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.

اخبار جهان

تیراندازی مرگبار در لس‌آنجلس

آمریکا- ایسنا/ به گفته مقامات پلیس محلی آمریکا در پی تیراندازی در یک مهمانی در لس‌آنجلس، سه تن هدف شلیک گلوله قرار گرفتند و کشته شدند. در این حادثه چهار تن دیگر نیز زخمی شدند که وضعیت جسمانی یکی از مصدومان این حادثه وخیم گزارش شده است. همچنین بازرسان محلی تاکنون در مورد انگیزه این تیراندازی اظهار نظری نکرده‌اند و تحقیقات برای بررسی جزئیات این حادثه ادامه دارد.

سرقت ۲۰ کانتینر طلا و نقره

مکزیک- باشگاه خبرنگاران جوان/ سارقان مکزیکی ۲۰ کانتینر که برخی از آن‌ها حامل طلا و نقره بودند را در غرب این کشور به سرقت بردند. مقامات مکزیک اعلام کردند که این سرقت بزرگ و بی سابقه در بندر مانزانیلو رخ داده است و رسانه‌های مکزیک این اقدام مجرمانه را سرقت قرن توصیف کرده‌اند. به گفته پلیس مهاجمان مسلح بوده و در روند سرقت مانع از مداخله تیم‌های امنیتی بندر شده‌اند.

تصادف قطارها در اسپانیا

اسپانیا- صداوسیما/ یک قطار باربری در فاصله دو شهر بارسلون و تورتوسای اسپانیا چراغ قرمز را رد و با یک قطار مسافربری که ۷۵ مسافر داشت، برخورد کرد. در اثر وقوع این حادثه ۳۰ نفر زخمی شدند که حال دو تن از آنان وخیم گزارش شده است. علت حادثه، نقص سامانه ترمز قطار باربری بوده است و تحقیق درباره این سانحه ریلی ادامه دارد. همچنین این حادثه دومین حادثه ریلی در منطقه کاتالان اسپانیا در کمتر از یک ماه گذشته است.

روی خط حادثه

احساس زمین‌لرزه مزداوند در مشهد

سهیل دیبا| عصر دیروز زمین لرزه‌ای به بزرگی چهار و یک دهم ریشتر بخش‌هایی از شهرستان سرخس را لرزاند. مرکز لرزه‌نگاری کشور کانون این زمین لرزه را منطقه مزداوند خراسان رضوی اعلام کرد که در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داده است. این زمین لرزه در مشهد نیز احساس شد، اما خبری از خسارت‌های احتمالی در منطقه مزداوند منتشر نشده است.

شهادت یک مأمور سردشتی در پی انفجار مین

گروه حوادث| فرماندار سردشت از توابع آذربایجان غربی گفت: یکی از نیروهای هنگ مرزی این شهرستان بر اثر انفجار مین به شهادت رسید. لقمان خسروپور در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: این نیروی هنگ مرزی سردشت استوار دوم «مهدی برزگر» از اهالی شهرستان اهر در آذربایجان شرقی است که بامداد دیروز بر اثر انفجار مین به شهادت رسید. وی افزود: این نیروی کادری از عوامل گروهان مرزی «بیوران» از توابع این شهرستان بود که در حین اجرای گشت و کمین در حوالی یادمان شهدای «بلفت» به روی مین رفت و به درجه رفیع شهادت رسید.

رهایی از چوبه‌دار پس از ۳ سال و ۳ ماه حبس



گروه حوادث| سال ۱۳۹۷ بود که غرور جوانی و خشونت افسارگسیخته یک جوان دست او را به خون یکی از اقوامشان رنگین کرد. همان زمان با دستگیری قاتل، بازجویی‌ها آغاز و بازسازی صحنه جرم، جرم متهم را تأیید کرد. اولین حکمی که برای متهم با درخواست خانواده مقتول صادر شد، قصاص بود. حکمی که با تلاش و اعتراضات چندین ساله وکیل متهم نیز شکسته نشد. متهم همان زمان به زندان منتقل شد و حالا سه سال و سه ماه از بهترین روزهای زندگی اش را با کابوس مرگ و قصاص گذرانده است. اما با پیگیری دادستانی شهرستان گلبهار موضوع رضایت از خانواده مقتول آغاز شد که در نهایت این خانواده از حق خود گذشتند و متهم را بخشیدند. حمید علیزاده، دادستان شهرستان گلبهار درباره جزئیات این پرونده به صداوسیما گفت: این حادثه در بخش گلمکان اتفاق افتاده بود که با رضایت اولیای دم، این مددکار از قصاص رهایی یافت. پدر قاتل نیز در مراسمی که برای قدردانی از خانواده مقتول برگزار شد گفت: فرزند ما مرتکب اشتباهی جبران ناپذیر شد. ولی اولیای دم پاسخ این اشتباه را با بخشش و گذشت دادند.

مرگ خانم راننده در تصادف شبانگاهی

گروه حوادث| بر اثر تصادف در محور تربت حیدریه به گناباد یک نفر در دم جان باخت و دو نفر مصدوم شدند. به گزارش صداوسیما، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان مه ولات گفت: براساس اعلام مرکز کنترل و هماهنگی عملیات استان مبنی بر برخورد شبانه دو دستگاه پژو ۴۰۵ و پراید در کیلومتر ۴۵ محور تربت حیدریه به گناباد یک تیم عملیاتی به محل حادثه اعزام شد. محمد امانی افزود: نیروهای امدادی بلافاصله پس از رسیدن به محل حادثه و تثبیت محل، اقدام به امدادرسانی به دو فرد حادثه دیده کردند که معاینات نشان داد راننده خودرو پراید که زنی جوان بوده، بر اثر جراحات وارده جان خود را از دست داده است.

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹ | تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

مجازات ریختن زباله در معابر و جاده‌های شهری



فرزانه عمادی| ریختن هرگونه زباله از داخل خودرو در معابر و جاده‌ها از جمله جرائم غیر قابل گذشت است که قانون گذار برای آن جریمه تعیین کرده است. تمیز نگه داشتن شهر تنها وظیفه شهرداری نیست و شهروندان با اهمیت دادن به حفظ پاکیزگی شهر و محیط زیست سلامت خود و خانواده‌هایشان را تضمین می‌کنند.

مطابق قانون، پرتاب کردن و ریختن ضایعات، زباله، اشیا و آب دهان از وسیله نقلیه در معابر شهری و جاده‌ها تخلف می‌باشد و جریمه دارد. همچنین برای ریختن یا ریزش روغن، بنزین، گازوئیل و سایر مایعات آلوده و تخریب کننده در معابر شهری و جاده‌ها جریمه تعیین شده است.

باید توجه داشت تخلیه نخاله، مصالح ساختمانی، فاضلاب و ایجاد هرگونه مانع در مسیر عبور و مرور وسایل نقلیه در راه‌ها تخلف بوده و راننده خاطی جریمه خواهد شد. چنانچه راننده‌ای در کنترل وسیله نقلیه، آن هم به دلیل روبه رو شدن ناگهانی با اشیا و ضایعات موجود در معابر، دچار حادثه شود، در صورت بررسی کارشناسان و محرز شدن تأثیر آن‌ها در وقوع تصادفات رانندگی، مرتکب به عنوان مقصر به مراجع قضایی معرفی می‌شود.

شهروندان بدانند که اعلام جرم در صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست نیست، بلکه اعلام و شکایت از سوی دیگر اشخاص هم امکان پذیر است.

داستان جنایی

نام تمام کوچه‌ها (قسمت اول)

ایلیا موسایی| هر کاری که قرار بود توی این کوچه شود بهرام کمالی اولین کسی بود که شروع می‌کرد. مثلا وقتی مجید موسوی تصادف کرد و زمین گیر شد بهرام اولین کسی بود که پول گذاشت برای کمک. گفته بود «از مانفری یه پلق کم می‌شه ولی برای مجید آقا حقوق یکی دو ماهی می‌شه که قراره بیکار بمونه» برای این کارها چنان شوق و ذوقی داشت که باعث می‌شد پیر و جوان و بزرگ و کوچک دست بجنبانند و آخرش می‌دیدی قدمی که بهرام برداشته باعث شده همه با هم متحد شوند. خودش تعریف می‌کرد که یک روز توی اتوبوس روی یکی از صندلی‌های دونفره نشسته بوده که پیرمردی فرتوت و لاغر سوار می‌شود. همه صندلی‌ها پر بوده برای همین پیرمرد همان طور ایستاده یکی از میله‌های فلزی را می‌گیرد و سرفه می‌کند. کسی که کنار بهرام نشسته بود یک پسربچه حدوداده ساله بوده. پسرک از روی صندلی کنار پنجره بلند می‌شود و از بهرام می‌خواهد که اجازه بدهد عبور کند بعد پسربچه پیرمرد را صدا می‌کند و از او می‌خواهد که آنجا بنشیند. پیرمرد برای سلامتی پسرک و طول عمرش دعا می‌کند و کنار بهرام می‌نشیند. بهرام می‌گوید که از همان اول دلش می‌خواسته که جایش را به پیرمرد بدهد اما یک چیز درونی یک حس خاص مانع می‌شده و حس می‌کرده با این کار ممکن است بقیه فکر کنند دارد خودنمایی می‌کند یا هرچیزی شبیه این. اما کار آن پسربچه باعث شده بود که بهرام پیش خودش شرمسار و خجالت زده شود. خودش می‌گوید مثل یک بستنی سر ظهر تابستان داشت آب می‌شد. از همانجا با خودش عهد می‌کند که هرجا توی دلش دوست داشت به کسی کمک کند اصلا دست دست نکند و مثل آن پسربچه که بهرام شجاعتش را تحسین می‌کرد بدون هیچ ملاحظه‌ای از جایش بلند شود و کاری که لازم است را انجام بدهد. درواقع این عهد بهرام با خودش باعث شده بود که اوضاع و احوال کوچه عوض شود. وقتی آشغالی روی زمین می‌دید بدون هیچ خجالتی آن را برمی‌داشت. همین باعث شده بود که این کار برای اهل محل باب شود. هرجا می‌دید کسی با کیسه‌های خرید زیاد کلنجار می‌رود، سمتش می‌دوید و کمکش می‌کرد. همین طوری بود که سنگ‌های قلوه‌ای از توی زمین خاکی فوتبال جمع شدند، کوچه همیشه از تمیزی برق می‌زد، هیچ کس نگران نبود که وقتی خرید زیاد دارد دست تنها باشد و هرجا کسی نیازی به کمک داشت می‌دانست که توی این محدوده جغرافیایی یکی دو نفری هستند که کمک دستش شوند. همه این‌ها آن قدر خوب بود که صفای خاصی به محل داده بود. اما وقتی کرونا آمد اوضاع طور دیگری پیش رفت. آدم‌ها از هم می‌ترسیدند و دلشان نمی‌خواست احدی نزدیکشان شود. فضا طاعونی شده بود و مردم ترجیح می‌دادند با فلاکت هم که شده کیسه‌های خرید را خودشان برسانند ولی در عوض کسی نزدیکشان نشود. برای همین اگر با مترِ بهرام این اوضاع را بسنجیم آدم گیج می‌شد که برای کمک به بقیه بهتر است کمکشان نکند یا اول سؤال کند که نیاز به کمک دارند یا نه که معمولا همه به همان اولی بسنده می‌کردند و ترجیح می‌دادند بیخودی خودشان را ضایع نکنند. این مواقع هم همه عادت دارند به آن کسی نگاه کنند که توی این کارها همیشه پیش قدم است و خودش قانون را تعیین می‌کند. اما مشکل اینجا بود که همان اول که خبر کرونا قبل از خود ویروس پخش شد بهرام هم غیبش زد و کسی او را ندید. اول همه فکر می‌کردند کرونایی شده و احتمالا مرده. ولی یکی دو نفری پیدا شدند که او را دیده بودند. مخصوصا خانواده‌هایی که گرفتار شده بودند و کارشان به بیمارستان و گروه‌های درمانی رسیده بود. همه می‌گفتند بهرام داوطلب شده و برای کمک رفته. همه او را با همان ماسک‌های بزرگ و لباس‌های نایلونی یکسره تصور می‌کردیم که برای همه سؤال بود چطور آدم توی آن‌ها بخار پز نمی‌شود. یا اصلا چطور می‌شود توی این لباس‌ها نفس کشید. این چیزها خیلی قبل از آن بود که ماجراهای دیگری پیش بیاید و کوچه ما معروف شود به کوچه بهرام کمالی و کسی برای تابلو سر کوچه تره هم خرد نکند و هرجای شهر باشد باز بگوید کوچه بهرام کمالی یا خیابان یا محله بهرام کمالی...

ادامه دارد